



## بررسی جایگاه فضاهای آموزشی در تشکیل و تعمیق هویت ملی

یوسف حقیر ابراهیم آبادی

آموزش و پرورش

youssefghahir@yahoo.com

جمیله جنتی فیروز آبادی

آموزش و پرورش

jamilajannati@chmail.ir

### چکیده

هویت ملی از جمله مباحث مهم و برجسته در دنیای امروز است که دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت بخشی و ایجاد انسجام ملی می باشد. با توجه به این که نظام آموزش و پرورش بزرگترین نیرو و سرمایه ی انسانی را در اختیار دارد؛ یکی از بهترین راههای تحکیم و تقویت هویت ملی به شمار می آید. این نظام از عناصر متعددی تشکیل شده است که در ارتباط با یکدیگر و در راستای رسیدن به اهداف متعالی تعلیم و تربیت ایفای نقش می کنند. یکی از این عوامل تأثیرگذار، فضاهای آموزشی است که می تواند مانند سایر عناصر حامل پیام های تربیتی به فراگیران باشند. چگونگی طراحی، ساخت، معماری، رنگ و تجهیز فضاهای آموزشی و تربیتی می تواند عامل سرعت بخشی جریان تعلیم و تربیت و یا عامل بازدارنده و مانع تحقق اهداف باشد. در همین راستا پژوهش حاضر ضمن تبیین جایگاه فضاهای آموزشی در شکل دهی و تعمیق هویت ملی، میزان توجه نظام آموزش و پرورش به موضوع فضاهای آموزشی را مورد بررسی قرار می دهد. این پژوهش با روش کتابخانه ای به گردآوری اطلاعات پرداخته و به سوال تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** فضای آموزشی، هویت ملی، معماری اسلامی.

## مقدمه

از موضوعات مهم و چالش برانگیزی است که نه تنها تک تک افراد در دوران حیات خود با آن مواجه (identity) مساله هویت می‌شوند، بلکه از جمله موضوعاتی است که طیف وسیعی از متفکران به انحای مختلف با آن درگیرند. صورت مساله هویت و ضمائم مربوط به آن، همواره در کانون توجه علوم مختلفی همچون جامعه‌شناسی، فلسفه، روان‌شناسی و... قرار گرفته است. هویت به مجموعه مشخصاتی گفته می‌شود که در ساده‌ترین تعاریف، ممیزات جسمانی و روحی افراد را به نمایش می‌گذارد. با این تعبیر خصوصیات مادی (فیزیکی) انسانها همانند رنگ پوست، چشم، قد، وزن، علائم و آثار فردی و بسیاری از مظاهر پنهان آنان را شامل می‌شود و آن گاه به نحوه‌ی اندیشه، نوع نگاه، طرز رفتار، شیوه‌های گفتاری، پیشه، عملکرد اجتماعی و مفاهیم دیگری نیز که در برخوردهای اجتماعی به چشم می‌آید توجه می‌کند (شعبانی، ۱۳۸۵).

هویت را به دو قسم فردی و جمعی (گروهی) دانسته‌اند. برای مشخص کردن هویت فردی معمولاً از ضمیر « من » استفاده می‌کنند. هویت جمعی معرف احساس تعلق فرد به گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی (خانواده، طبقه اجتماعی، قوم و ملت) و احساس تعهد و وفاداری در برابر آنها است. هویت جمعی در برابر پرسش‌هایی همچون «ما کیستیم و چیستیم؟» و گروه‌های دیگر کیستند و چیستند؟ مطرح می‌شود. تنوع منابع مختلف سبب انواع مختلف هویت (هویت اجتماعی و هویت فرهنگی) می‌شود.

هویت ملی عالی‌ترین سطح هویتی هر فرد بشری است و معمولاً از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله‌مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد. هویت ملی از تعلق فرد به یک سرزمین و دولت ملی و یا به عبارتی به کشور خاصی سرچشمه می‌گیرد، و معمولاً افراد دارای بیش از یک هویت ملی نیستند (احمدی، ۱۳۸۲) هویت ملی یا هویت جامعه‌ای، بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشوری محسوب می‌شود. هویت ملی را تقریباً آخرین هویت اکتسابی می‌دانند که توسط فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب هویت ملی سبب وحدت و می‌شود یکپارچگی مردم می‌شود. هویت ملی هر فرد به صورت بخشی از کل هویت اش در رابطه با جامعه‌ای که به آن تعلق دارد یا احساس می‌کند شکل می‌گیرد. هویت جمعی و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و احساس وفاداری به آن است.

هویت ملی کنونی ایران از عناصر گوناگونی شکل گرفته است که برخی از آنها از جایگاه ویژه‌تری نسبت به بقیه برخوردار می‌باشند.

ثاقب فر (۱۳۸۳) عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را به سه رکن اساسی تقسیم بندی می‌کند:

۱. فرهنگ باستانی و ملی ایران، ۲. فرهنگ اسلامی، ۳. فرهنگ غربی و معاصر.

از زمان ورود اسلام به ایران چنان هویت ایرانی و اسلامی در هم تلفیق شده‌اند که تفکیک مفاهیم ایرانی و اسلامی همراه با مولفه‌های گوناگون آنها کار آسانی نیست و می‌بایست به مفاهیم و دیدگاه‌های مختلف درباره این هویت‌ها توجه شود. البته بسیاری از اندیشمندان تفکیک هویت ایرانی-اسلامی را بسیار دشوار می‌دانند. در طول تاریخ ۲۰۰ سال گذشته نیز این در هم آمیختگی هویت اسلامی-ایرانی در مقاطع مختلف تاریخی به وضوح دیده شده است. مانند جنگ‌های ایران و روس، نهضت مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و ..... در واقع هویت اسلامی یعنی اعتقاد و التزام عملی به انجام دادن فرایض دین اسلام و نشان دادن رفتاری که فرد را از پیروان مذاهب دیگر متمایز می‌سازد. (خسروانیان، ۱۳۸۷: ۹) هویت اسلامی جز نا گسستگی هویت ایرانیان است که به مفاهیم دین و مذهب ایرانیان توجه دارد. با ورود اسلام به ایران این مقوله جز پایه‌های محکم و کلی هویت ایرانیان محسوب می‌شود. چنانکه استاد مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران به دو عامل ایرانی بودن و اسلامی بودن به عنوان عوامل هویت ساز اشاره می‌کند.

در جامعه امروزی، انسان از ابعاد گوناگونی مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که هویت بخش مهمی از وجود انسان است و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تاثیر هویت آن است، بررسی هویت افراد بسیار مورد توجه قرار گرفته است. ایران

جامعه ای در حال گذار و یا در حال توسعه است. در چنین جامعه ای به دلیل فروپاشی نظام ها و ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری و روستایی و گسترش شهرنشینی، تحرکات جمعیتی و اجتماعی و تشدید تعاملات بین فرهنگ ها، اقوام و ملل متفاوت، اغلب افراد به ویژه جوانان و دانش آموزان در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارضی قرار گرفته اند. بسیاری از دانش آموزان با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود ساختارهای نوین مدنی و یا عدم تشخیص الگوهای مناسب، دچار تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی می شوند و خود را در تعارض با ارزش های سنتی و مدرن می بینند. در چنین شرایطی است که آنومی یا نابسامانی اجتماعی زمینه لازم را برای پیدایش بحران هویت پدید می آورد (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۵۹).

بخش عمده ای از جمعیت کشور ایران را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهد، نخست خانواده و سپس مدرسه در شکل گیری هویت این گروه سنی تاثیرگذار است. هر چند در جامعه ی فعلی عوامل و زمینه های مختلفی در شکل گیری هویت افراد تاثیر می گذارد ولی خانواده هنوز نقش و جایگاه ویژه خود را دارد. پس از خانواده، آموزش و پرورش و به طور کلی نهاد تعلیم و تربیت جایگاه دوم را دارد. بدین ترتیب حکومت باید در کنار توجه به نهاد خانواده، به دوره آموزش عمومی به منزله ی یکی از پایه های سازنده ی شخصیت افراد توجه خاص داشته باشد.

منشاء بسیاری از نگرش ها و تفکرهای انسان، تصویربرداری و معنا سازی هایی است که از بدو تولد در خانه و در ادامه آن در مدرسه، شکل می گیرد. می توان، به اهمیت دوره آموزش عمومی در شکل گیری هویت ملی به مثابه رکن شخصیت و متمایز کننده او از دیگران در دانش آموزان، در همان دوره آموزش ابتدایی، پی برد. از زمانی که آموزش و پرورش به صورت رایگان و اجباری و همگانی به عنوان بخشی از راهبردهای توسعه در بیشتر کشورهای جهان معرفی و اجرا شده است، دست اندرکاران آموزش و پرورش کشور بر آن شدند تا با دقت نظر و اعمال حساسیت های لازم در مولفه های تعلیم و تربیت از جمله برنامه ریزی درسی و به ویژه محتوای درسی، تمهیدات لازم را با اتخاذ روش های مناسب برای ایجاد آگاهی و تقویت بعد شناختی و تعمیق و تحکیم حس تعلق به هویت ملی در بعد عاطفی و احساسی در دانش آموزان فراهم آورند (حاج بابایی، ۱۳۷۱).

"یکی از مؤلفه های تکوینی هویت در فرد و جامعه، آموزش یا تعلیم و تربیت است. به ویژه در جهان امروز که ملت ها دیگر نمی توانند همچون گذشته به گونه ای سنتی و طبیعی یا هر طور که خودشان می خواهند زندگی کنند، اهمیت مقوله تعلیم و تربیت دو چندان شده است به همین جهت آموزش و پرورش ملی در این زمینه مسئولیتی خطیر بر دوش دارد." (ربانی، ۱۳۸۰: ۶۵۷)

نهاد آموزش و پرورش ابزارهای گوناگونی مانند: فضای آموزشی، معلم و کتابهای درسی را در اختیار دارد تا با کمک آنها به ایجاد و تقویت هویت ملی در نسل آینده یک کشور پردازد. هر کدام از این ابزارها در جایگاه خود از اهمیت بالایی برخوردار بوده که توجه نمودن به آنها موانعی را در شکل دهی و تعمیق هویت کودکان به ویژه نوجوانان ایجاد خواهد کرد.

## بیان مسأله

آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین نهادی در نظر گرفته می شود که وظیفه درونی کردن ارزشها و اصول حاکم بر جامعه را دارد. (پارمحمدیان ۱۳۷۷) هدف آموزش و پرورش تقویت و رشد حالت های جسمانی، فکری و اخلاقی خاصی در انسان است که هم جامعه سیاسی و هم محیط خاص فرد از او انتظار دارند. به اعتقاد دورکیم نقش آموزش و پرورش وارد کردن و جادادن فرد در نظام اجتماعی است. کارکرد آموزش و پرورش در جامعه حفظ ثبات در جامعه و اجتماعی کردن است. هر جامعه ای برای تداوم حیات، نیاز به درجه ای از مشابهت افکار، ارزش ها و هنجارها در میان اعضای خود دارد. (شارع پور ۱۳۸۸) هدف نهایی تمام نظام های آموزشی در سراسر دنیا آماده سازی افراد برای حضور در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ و اصول حاکم بر کشور است. "شیخاوندی (۱۳۷۹) یکی از اساسی ترین رسالتهای آموزش و پرورش را القا و تنفیذ هویت ملی در جریان تربیت می داند؛ بدون این که مانعی برای رشد و بالندگی فردی، گروهی و قومی باشد." دانش آموزان در مدارس علاوه بر فراگیری علم و دانش به شناخت خود و دیگران نیز می پردازند. آموزش و پرورش از طریق اشاعه سنتها، رسوم اجتماعی و ایدئولوژیها به تحکیم هویت و وحدت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی می پردازد. نظام آموزشی با درونی کردن ارزشها و آشنا نمودن دانش آموزان با اصول حاکم بر جامعه نقش قابل توجهی را در افزایش علاقه و دلبستگی افراد به آنها ایفا می کند. آموزش و پرورش



نقش خود را از طریق مدارس، فضاهای آموزشی و با برنامه های درسی تعیین شده ایفا می کند. در این میان فضاهای آموزشی به عنوان یکی از مهم ترین فضاهای شهری محسوب می گردند. زیرا برای کودک اولین محیطی که در آن قوانین و مقررات اعمال می شود، مدرسه است. ایجاد محیطی آرام، دوست داشتنی و لذت بخش موجب جلب توجه و ایجاد تمایل دانش آموزان برای حضور در مدرسه و سلامت روانی آنان می شود. فضاهای آموزشی باید به گونه ای باشد که با هر سه لایه هویت ملی کشورمان (هویت اسلامی، ایرانی و متجددانه) هماهنگی داشته باشد. و از ایجاد بحران هویتی در دانش آموزان، آن ها را به گونه ای تربیت نماید که نسبت به میهن و دین خود متعهد گردند. لذا محقق در نظر دارد میزان توجه این موضوع را در نظام آموزشی کشور مورد کاوش قرار داده و به این سوال پاسخ دهد که آیا در نهاد آموزش و پرورش به اندازه کافی به فضاهای آموزشی به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار در شکل دهی و تعمیق هویت ملی توجه شده است؟

## روش تحقیق

پژوهش علمی به سهم خود اهمیت فردی و اجتماعی قابل توجهی دارد. بر این اساس در این تحقیق که به روش کتابخانه ای (اسنادی) است. محقق با تهیه منابع (کتاب و مقالات) و طرح سؤالاتی در خصوص موضوع اصلی و گردآوری اطلاعات، در صدد یافتن پاسخ های مناسب است.

## پیشینه تحقیق

با اینکه پژوهش در این حوزه از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است اما متأسفانه در این خصوص تحقیقات زیادی مشاهده نشد و اکثریت تحقیقات مشاهده شده نوع معماری فضاهای شهری و تأثیر آن ها در فرهنگ و هویت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و کمتر به بررسی فضاهای آموزشی و تأثیرات آن ها پرداخته شده است.

سلام زاده و وزیر (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "نقش هویت در شکل گیری الگوی معماری اسلامی" به بررسی مفهوم و شاخصه هایی چون هویت و معنای معماری اسلامی - ایرانی پرداخته است و در پایان این گونه نتیجه گیری نموده است که: مفهوم سکونت در دیدگاه اسلامی ناظر بر دو حوزه مادی و معنوی است و لاجرم ظرف مادی سکونتگاه حاوی مفهوم معنوی آن نیز خواهد بود و ساخت سکونتگاه مسلمین در دید کلان امری آیینی محسوب می شود. شکل دهی به هویت اسلامی - ایرانی در حوزه های مختلف معماری لازم و ملزوم حرکت به سمت قاعده لاضرر و لاضرار است.

جمعه پور (۱۳۸۷) در تحقیقی "نقش فضاهای کالبدی در شکل گیری هویت اجتماعی" را مورد بررسی قرار داده و چنین نتیجه گیری می کند که معماری باید در چارچوب هویت اجتماعی هر جامعه باشد و به آن غنا بخشد. فضاهای فیزیکی و کالبدی از محتوا یا جریان های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر تأثیر می پذیرد و برای اینکه معماری و طراحی فضای کالبدی بتواند تأثیر مثبتی بر جریان اجتماعی شهر داشته باشد بایستی کالبد مناسب برای تقویت ساختارهای اجتماعی و تقویت رفتارهای اجتماعی شهروندان متناسب با فرهنگ بومی جامعه را فراهم نماید.

## چهارچوب نظری تحقیق

با توجه به وارداتی بودن و ناکارآمد بودن الگوی آموزش و پرورش فعلی با توصیه رهبر انقلاب آیت ... خامنه ای (مدظله العالی) بر اساس الزامات نهادی، هویتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، معنوی و اقتضانات جامعه اسلامی، پس از بررسی های فراوان درباره اهداف، اصول و مبانی نظری آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی کارشناسان، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش در آذر ماه سال ۱۳۹۰ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنای سیاست گذاری و برنامه ریزی تحولی در آموزش و پرورش است و می تواند زمینه ی دستیابی به آموزش و پرورش مناسب را فراهم آورد. سند تحول نظام آموزش و پرورش به شش زیر نظام تقسیم شده است که عبارتند از:

- ۱- برنامه ریزی درسی
- ۲- تربیت معلم و تامین منابع انسانی
- ۳- تأمین و تخصیص منابع مالی
- ۴- راهبری و مدیریت
- ۵- پژوهش و ارزشیابی
- ۶- تأمین فضا، تجهیزات و فناوری

زیر نظام ششم سند تحول زیرنظام فضا است که مأموریت اصلاح و ایجاد تحول در حوزه فضا، تجهیزات و فناوری در آموزش و پرورش را به عهده دارد. این زیر نظام کلیه فعالیت‌های برنامه ریزی، ساماندهی، طراحی، اجرا، نظارت و پشتیبانی مربوط به تأمین کالبد نظام تربیت رسمی عمومی و تدارک تجهیزات و فناوری آن را متناسب با برنامه درسی و هماهنگ با مؤلفه های معماری و طراحی شهری، تکنولوژی ساخت، لوازم و تجهیزات منابع (انسانی، مادی، مالی) و مدیریت فنی و مهندسی در راستای دستیابی به اهداف نظام تربیت رسمی عمومی را به عهده دارد.

چشم انداز این زیر نظام این گونه پیش بینی شده است که: فضا ها و مراکز آموزشی و تربیتی در افق ۱۴۰۴ زمینه ساز تحقق اهداف و برنامه های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و تأمین کننده نیازهای فردی و جمعی دانش آموزان، متناسب با ساحت های شش گانه تربیت و الزامات برنامه درس ملی، استنادات بین المللی، با هویت و ویژگیهای معماری اسلامی-ایرانی دارای ظرفیت بالا در تعاملات فرهنگی و اجتماعی محله، امکان دسترسی آسان به محیطی مقاوم، ایمن، بانشاط، دوست داشتنی، دوستدار محیط زیست، بهره مند از انرژی های پاک (تجدید پذیر) و مجهز به تجهیزات و فناوری های نوین بومی برای یادگیری می باشند. (برنامه زیر نظام تأمین فضا و تجهیزات و فناوری تعلیم و تربیت رسمی عمومی ۱۳۹۵)

در سند تحول بنیادین ۸ هدف کلان، ۱۵ راهبرد کلان، ۲۳ هدف عملیاتی و ۱۳۱ راهکار پیش بینی شده است که از مجموعه ۱۳۱ راهکار سند تعداد ۹ راهکار به طور مستقیم و تعداد ۲۱ راهکار به صورت غیرمستقیم با برنامه زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری مرتبط هستند. زیر نظام تأمین فضا و تجهیزات از جمله زیر نظام های نظام آموزش و پرورش در سند تحول بوده که از عوامل تربیتی و یادگیری بوده؛ همچنین بستری جهت تحقق اهداف سایر زیر نظام ها نیز به حساب می آید. این زیر نظام مختص کلاس درس نبوده، بلکه تمامی محیط های تربیتی مانند کلاس درس، آزمایشگاه، کارگاه، کتابخانه، نمازخانه، حیاط و... را شامل می شود.

همان طور که در مقدمه بیان گردید هویت ملی ایرانیان از سه لایه هویت اسلامی، ایرانی و متجددانه تشکیل شده است. لذا جهت شکل دهی و تعمیق هویت ایرانی باید عوامل تأثیر گذار بر هر کدام از این سه لایه را مورد توجه قرار داد. هر کدام از این لایه ها مؤلفه های خاص خود را دارند. در واقع مؤلفه ها نشان دهنده شناسایی و تمایزند و نقش اساسی در درک و تصور ما از کشور را دارند. پس بدون مشخص شدن مؤلفه ها، معیار مشخص و درستی وجود نخواهد داشت تا براساس آن بتوان به هدف اصلی که همان بررسی هویت ملی و ارائه راههایی جهت تقویت و تحکیم آن می باشد دست یافت. یکی از مؤلفه های تأثیر گذار در شکل گیری هویت ملی نوع معماری فضاها به ویژه معماری اسلامی می باشد که در چشم انداز زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری نیز مورد توجه قرار گرفته و تأکید نموده است در طراحی فضای کالبدی مدارس نیز لحاظ گردد.

"کاربرد معماری اسلامی صرفاً استفاده از آجر یا کاشی های آبی و فیروزه ای در نمای مدارس نیست؛ بلکه درک عملکرد زیبایی و توجه به کیفیت است هرچند در گذشته تعداد معدودی مدرسه وجود داشت ولی همین تعداد دارای هویت بودند و به انسان ها و محصلان خود ارزش ویژه ای می بخشیدند. معماران گذشته با توجه به مسائل استاتیک، اقلیمی و عملکرد، مدارس را معمارگونه می ساختند و معماری در فضا، بعد و عملکرد تعریف می شد. (مفیدی، ۱۳۸۶)

نقش معماری در تبیین و احراز و تقویت و نمایش باورها، جهان بینی و فرهنگ جامعه و در نتیجه در تجلی هویت و به خصوص هویت معنوی آن (و به تبع آن هویت انسان) به عنوان نقشی غیر قابل انکار محرز می شود. نقشی که در دوران معاصر که جوامع با بحران هویت مواجهند و زورمداران و مزدوران جهانی نیز سعی در به زیر سلطه درآوردن فرهنگی جهانیان داشته و به عنوان مقوم این بحران ایفای نقش می کنند از جایگاهی ارزشمند برخوردار است. نکته باریک تر از مو آن است که سلطه گران و مزدوران نیز برای وصول به امیالشان از طریق القای هویت های کاذب و نمایش بدلیات به جای اصل ها، بیشترین استفاده را از معماری و به عبارت بهتر از شبه معماری یا معماری بدلی و غیر اصیل به عمل می آورند. (نقی زاده ۱۳۸۸)

اگر فضای کالبدی در تعارض با هویت اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد به کاهش احساس تعلق به فضا و بی هویتی اجتماعی منجر می شود. رابطه هویت اجتماعی و فضای کالبدی را می توان در معماری ایرانی گذشته دید. معماری سنتی از فرم مسکن تا شکل و نمای ساختمان و ساختار محله، منعکس کننده هویت اجتماعی ویژه ای بود که بر پایه آن فرد با هویت محله یا فرهنگی خاص شناخته می شد.

هویت مکانی ارتباط نزدیکی با هویت شخصی برقرار نموده و احساس تعلق به محله یا منطقه ای را که شخص در آن زندگی می کند تقویت می کند که این امر خود باعث همکاری های بیشتر فردی و اجتماعی در حفظ کیفیت محیط زیست می گردد. (گرچی آبادی ۱۳۸۰)

فضاهای آموزشی به مثابه "ظرف تعلیم و تربیت" عمل کرده و بر چگونگی شکل گیری مظلوف خود اثر مستقیم و غیر مستقیم دارند. معماری مدارس متأثر از فرهنگ و شرایط فرهنگی و اجتماعی و تحولات محیطی بوده و از فلسفه تعلیم و تربیت تأثر می پذیرند. به همین خاطر ارتباط، تناسب، هماهنگی و هم سویی بین عناصر این ظرف (فضاهای آموزشی و تربیتی) با مظلوف آن (فرایند تعلیم و تربیت) اجتناب ناپذیر است. چگونگی طراحی، ساخت، معماری، رنگ و تجهیز فضاهای آموزشی و تربیتی می تواند تسهیل کننده و عامل پیش برنده تحقق اهداف تعلیم و تربیت بوده و یا به عنوان عامل بازدارنده، مانع تحقق اهداف برنامه ها شوند.

فضاهای آموزشی و تربیتی و نمادها و نمادهای آن ها، می توانند همانند معلمان و کتابهای درسی، حامل پیام های تربیتی به فراگیران باشند و جریان تربیت و فرایند شخصیت پذیری آنان را تحت تأثیر قرار دهند و به صورت پیدا و پنهان ذهن، عواطف، روان و حتی جسم فراگیران را متأثر سازند. به بیان دیگر شرایط کالبدی و فیزیکی فضاهای آموزشی و تربیتی نیز با فراگیران سخن می گویند و پیام منتقل می کنند و بسیاری از پیام های آموزشی و تربیتی را می توان با استفاده از ظرفیت های آموزشی و نمادهای آن ها به دانش آموزان منتقل کرد.

از آن جا که غالب فعالیت های آموزشی در مدارس اتفاق می افتد می توان آن را به عنوان فضای آموزشی تأثیر گذار در شکل دهی هویت دانش آموزان نام برد. میلر معتقد است «مدارس را باید یکی از مکان هایی دانست که در آن هویت ملی مشترک، زایش دوباره می یابد و کودکان آماده شهروندی دموکراتیک می شوند. در مورد واقعیت های قومی تازه وارد که ممکن است درک مشوشی از هویت ملی داشته باشند، مدارس می توانند به منزله عامل تعادل بخش محیط فرهنگی خانواده باشند. بنابراین مدارس باید ویژگی عمومی داشته باشند و اعضای گروه های قومی متفاوت در آنجا با هم آشنا شده و به طور مشترک آموزش ببینند.» (میلر، ترجمه غرایقی زندی، ۱۳۸۳)

معماری نماد فرهنگ، هویت و شناسنامه یک جامعه است. از آن جا که طراحی با اندیشه های کهن و قدیمی نمی توانند پاسخگوی نیازهای امروزه مخاطبین باشند اما هنر معماران این است که از پیشینه های تاریخی، تجربه های تمدن و فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی و دانش و فناوری روز دنیا بهره جسته و مدرسی را طراحی کند که با هویت ایرانی-اسلامی همخوان باشد.

دسته ای از فضاهای آموزشی در مدرسه هستند که نقش بسیار مهمی را در شکل دهی برخی از لایه های هویتی دانش آموزان دارند و لازم است در ساخت و ایجاد شرایط مناسب آنها دقت گردد. نمازخانه مدرسه یکی از این فضاها است که در صورتی که از نظر فیزیکی خوب طراحی شده باشد می تواند دانش آموزان را به خود جلب کند و هویت اسلامی آنها را تقویت نماید. نصب پرچم، انتخاب شعارهای مناسب جهت شعارنویسی، در نظر گرفتن وضوخانه، در نظر گرفتن مکانی جهت یادمان شهدا و نمادهای دفاع مقدس در مدرسه، مواردی است که می توانند در تقویت هویت ملی دانش آموزان کمک نمایند.

## بحث و نتیجه گیری

در پژوهش انجام شده نقش فضاهای آموزشی به عنوان یکی از ابزارهای نظام آموزش و پرورش در تسهیل جریان تعلیم و تربیت، خصوصاً تحکیم و تعمیق هویت ملی مورد بررسی قرار گرفت. از آن جا که کودکان زمان قابل توجهی از عمر خود را در مدارس به سر می برند؛ مؤلفه های گوناگونی آن ها را تحت تأثیر قرار می دهند تا هویت اجتماعی آن ها شکل بگیرد از جمله آن ها فضاهای آموزشی هستند که به صورت آشکار و پنهان تأثیرات خود را خواهند گذاشت. لذا توجه و برنامه ریزی اصولی در خصوص چگونگی، طراحی و ساخت فضاهای آموزشی به گونه ای که تحقق اهداف تعلیم و تربیت رسمی و عمومی را سرعت بخشد ضرورت داشته و غفلت برنامه ریزان و مسئولان از این موضوع جایز نبوده و آسیب ها و صدماتی را در پی خواهد داشت. بررسی ها نشان می دهد که این موضوع در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که مبنای سیاستگذاریها و برنامه ریزی



تحویلی در آموزش و پرورش می باشد؛ مورد توجه قرار گرفته است. یکی از شش زیر نظام سند تحول به موضوع فضا، تجهیزات و فناوری پرداخته و ۳۰ راهکار از سند به طور مستقیم یا غیر مستقیم به این موضوع اختصاص داده شده است. همچنین در چشم اندازی که برای این زیر نظام پیش بینی شده، توجه به معماری اسلامی به عنوان عامل احراز و تقویت باورها، جهان بینی و فرهنگ جامعه و در نتیجه هویت معنوی مورد تأکید قرار داده است. فضاهای آموزشی منحصر به کلاس درس نبوده و تمامی محیط های آموزشی مانند کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و حتی حیاط مدرسه را شامل می گردد. فضای آموزشی می تواند مانند معلمان و محتوای آموزشی حامل پیام های تربیتی به فراگیران باشند و جریان تربیت و شخصیت پذیری آنان را تحت تأثیر قرار دهند. البته برخی از فضاهای آموزشی مدرسه نسبت به بقیه نقش مهم تری را در شکل دهی برخی از لایه های هویت ملی دانش آموزان ایفا می کنند. مانند نمازخانه مدارس که می تواند موجب تقویت بیشتر هویت اسلامی دانش آموزان گردد. لازم به ذکر است با این که در اهداف نظام آموزش و پرورش کشور موضوع فضای آموزشی مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در اجرا شاهد کم توجهی به موضوع هستیم. لذا پیشنهاد می گردد با توجه به اهمیت موضوع قوانین و مقرراتی تدوین شود که به احیای هویت ایرانی-اسلامی در حوزه های معماری و فضاهای آموزشی منجر گردد و ضمن بهره مندی از دانش روز دنیا نسبت به ساخت و بهسازی فضاهای آموزشی و تربیتی متناسب با اقتضائات فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی اقدام گردد.

## منابع

- احمدی، حمید(۱۳۸۲)، هویت ملی ایران، بنیادها و چالش هاو بایسته ها، ماهنامه پژوهشی-فرهنگی، شماره ششم
- ثاقب فر، مرتضی(۱۳۸۳)، ایران باستان و هویت ایرانی، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- جمعه پور، محمود(۱۳۸۷)، نقش فضاهای کالبدی در شکل گیری هویت اجتماعی، همایش تجلیل جایگاه مدیریت شهری در کاهش آسیب های اجتماعی
- ربانی، جعفر(۱۳۸۰)، برنامه های درسی و شکل گیری هویت، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۳۹-۱۹
- سلام زاده، مریم و وزیر، وحید(۱۳۹۵)، نقش هویت در شکل گیری الگوی معماری اسلامی، کنفرانس بین المللی علوم انسانی و علوم رفتاری،
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
- شارع پور، محمد(۱۳۸۳)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، سمت
- شعبانی، حسن(۱۳۸۶)، مهارت های آموزشی (روش ها و فنون تدریس). تهران: سمت.
- شورای عالی آموزش و پرورش(۱۳۹۵)، برنامه زیر نظام تأمین فضا و تجهیزات و فناوری تعلیم و تربیت رسمی عمومی
- شیخوندی، د(۱۳۸۳)، بازتاب هویت اقوام ایرانی در کتاب های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۸۷
- گرچی آبادی، عبدا...خان(۱۳۸۰)، نگرشی بر یک دهه برج سازی در تهران، ضرورت اعمال مدیریت بصری، مجله آبادی
- مفیدی، فرخنده(۱۳۸۶)، طراحی فضای آموزشی، تهران
- نقی زاده، محمد(۱۳۸۸)، هویت، تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵
- یارمحمدیان، م(۱۳۷۷)، اصول برنامه ریزی درسی، تهران، یادواره کتاب.